

## « بنیادهای جغرافیایی هویت برای کشورها »

بحثی در کلاس نظام‌های ژئوپلیتیکی (منطقه‌ای و جهانی)

از: دکتر محمدرضا حافظ‌نیا

استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس

(زمستان ۱۳۹۲)

یکی از ویژگی‌های سیستم‌های ژئوپلیتیکی، عضویت متکثر و متداخل اعضا می‌باشد. اعضای هر سیستمی منحصرأ در آن سیستم عضو نیستند. به عبارتی وفاداری‌های خود را تنها در یک سیستم منطقه‌ای یا جهانی تعریف و یا به آن منحصر نمی‌کنند. هر عضو یا کشور در سیستم، می‌تواند به طور همزمان و بر پایه مبانی جغرافیایی هویت‌ساز خود در چند سیستم منطقه‌ای و یا جهانی عضو باشد. در این صورت در هر سیستمی کشور عضو تعهدات و الزامات و فرصت‌های خاص خود را خواهد داشت. در این حالت کشورهای عضو برای ایجاد تعادل و تعامل بین تعهدات و فرصت‌ها در سیستم‌های مختلف و بعضاً متعارض، و سازگاری آنها با ارزش‌ها و منافع ملی خود دچار مشکل می‌باشند.

از آنجایی که مبانی جغرافیایی هویت‌ساز کشورها یکی نیست و متعدد است، بنابراین عضویت کشورها در سیستم‌های متنوع و متعدد امکان پذیر است. پس یک کشور می‌تواند در چند سیستم به طور همزمان عضویت داشته باشد.

اگر این سیستم‌ها با هم مطابقت داشته و جفت‌وجور باشند، یعنی اینکه روابط خوبی با هم داشته باشند، در این صورت کشورها دچار مشکل نمی‌شوند. ولی اگر با هم رقابت و یا تضاد داشته باشند سیاست خارجی کشورهای عضو آنها دچار مشکل می‌شوند. وقتی کشوری وارد یک سیستم می‌شود یک سری تعهد، وظیفه، ماموریت به سیستم می‌دهد و از طرف دیگر یک سری فرصت‌ها، اختیار و حقوق را کسب می‌کند. یعنی بین تعهد و فرصت توازن و هماهنگی برقرار می‌کند.

به طور مثال، وقتی کشور ایران عضو **اگو** میشود، یک سری فرصت‌هایی را کسب می‌کند و به تبع آن یک سری تعهداتی را هم به اگو دارد که باید رعایت کند. بنابراین در اینجا فرصت و تعهد باهم هستند. پس وقتی

ایران عضو اکو شد وفاداری خاصی به این سیستم دارد، چون عضو آن است. یعنی از منافع اکو دفاع می‌کند. ایران بطور همزمان ممکن است عضو یک سیستم دیگر هم باشد. در اینجا نیز یک سری فرصتها و تعهدات وجود دارد. شاید در سیستم‌های دیگر هم به طور همزمان عضو باشد. اگر این سیستم‌ها که ایران در آنها عضویت دارد با هم ضد و یا رقیب باشند، این سوال مطرح می‌شود که در اینجا این کشور چه باید بکند؟

در اینجا به این دلیل که این کشور (ایران) نمی‌داند وفاداری‌های خاص خود را با کدام سیستم تعریف کند به مشکل بر می‌خورد. این مشکل آن دسته از کشورهایی است که به طور همزمان در چند سیستم ضد هم و یا رقیب عضویت دارند.

به طور مثال، امریکا از یک طرف عضو سیستم اپک است و هویت جغرافیایی خود را از موقعیت ساحلی اش در اقیانوس آرام می‌گیرد، و از طرف دیگر عضو سیستم نفتا است و هویت جغرافیایی خود را از عضویت در پهنه آمریکای شمالی می‌گیرد. سیستم اپک آب پایه است و سیستم نفتا خشکی پایه می‌باشد. این دوتا سیستم ممکن است با هم رقیب باشند. بنابراین کشور آمریکا باید بین آنها تعادل برقرار کند.

همچنین، کشور ایران جزء منطقه خلیج فارس است، پس خلیج فارس سرچشمه جغرافیایی هویت‌ساز برای ایران است. به طور همزمان ایران عضو خزر هم است، پس خزر نیز سرچشمه جغرافیایی هویت‌ساز برای ایران است. ایران همزمان عضو منطقه مسلمان‌نشین دنیا هم است، پس جهان اسلام سرچشمه جغرافیایی هویت‌ساز برای ایران است. بهمین ترتیب ایران جزء قلمرو تشیع جهان، جزء فلات ایران و قلمرو تمدن ایرانی، جزء اقیانوس هند، جزء قاره آسیا هم است، بنابراین تمامی اینها سرچشمه هویت‌ساز جغرافیایی برای ایران می‌باشند و ایران ذاتاً حق عضویت در سیستم‌های منطقه ای را دارد که در این فضاها جغرافیایی شکل می‌گیرد.

این تئوری (مبانی جغرافیای هویت، یا بنیادهای جغرافیایی هویت‌ساز)، را می‌توان به تمامی کشورها تعمیم داد که می‌تواند پتانسیل عضویت آنها را در سیستم‌های منطقه ای و جهانی فراهم کند. همچنین از طریق این تئوری می‌توان پی برد که کشورها چه تعداد مبانی جغرافیایی هویت‌ساز دارند و کشورها در چند سیستم می‌توانند عضویت داشته باشند. می‌توان از طریق این تئوری سطوح اشتراک و افتراق کشورها را درآورد و جایگاه و نقش کشورها را در سیستم ژئوپلیتیکی جهان تعیین و مقایسه کرد. این تئوری در پیش‌بینی و آینده‌نگری سیاست‌های جهانی به ما کمک می‌کند.

تدوین از: وحید صادقی، بهمن ۱۳۹۲